

در باره تاریخ دقیق نگارش اثر و چگونگی تألیف آن است و ضمناً این دستنویس اطلاعات مکملی درباره نام مؤلف در بر دارد که در نوشته حاضر بدین موارد خواهیم پرداخت.

### شناسایی نسخه تازه‌یاب

نسخه مورد نظر مورّخ ۸۱۴-۸۱۵ ق است و به شماره ۱۳۷ در کتابخانه نافذپاشا نگهداری می‌شود. نسخه در فهرست نسخه‌های فارسی آن کتابخانه زیر نام مواهب علیّه، اثر ملاحسین واعظ کاشفی، و بی‌تاریخ معرفی شده است (حسینی، ۱۳۹۵: ۳۳). تنها آگاهی که فهرست‌نویس درباره متن اثر یاد کرده بدین قرار است:

و اما اوراقی که جز تفسیر کاشفی است و در (۲۶۴-۳) قرار دارد، از مفسّری بنام رکن‌الاسلام است. متأسفانه این تفسیر در آغاز و انجام افتادگی دارد و صاحب‌آن را نیز نیافتیم.

متأسفانه فهرست‌نویس در شناساندن نسخه بسیار کوتاهی کرده است.<sup>۲</sup> این نسخه دارای ۲۹۲ برگ است. از این میان ۲۷۱ برگ مربوط به دستنویسی کهن است که فقط ۳ برگ از آغاز و ۱۸ برگ از پایان آن را برای کامل جلوه دادن نسخه از روی مواهب علیّه‌نویس کرده‌اند. بنابراین هیچ استدلال قابل‌پذیرشی برای شناساندن نسخه زیر نام مواهب علیّه وجود ندارد. اما کوتاهی فهرست‌نویس آنگاه نمایان‌تر می‌شود که می‌بینیم در دو جای نسخه نه تنها به تاریخ کتابت، نام نویسنده و نام اثر اشاره شده، بلکه اطلاعاتی بسیار مهم در شناسایی دقیق متن و چگونگی نگارش آن درج شده که در هیچ اثر شناخته‌شده دیگری بدانها اشاره نشده است. با این سهل‌انگاری فهرست‌نویس، نه تنها ممکن بود دستنویس منحصر به فرد بخشی از یک متن فارسی از سده پنجم از دیدها پنهان بماند، بلکه اطلاعات تعیین‌کننده‌ای درباره کل آن متن از دست می‌رفت.

### بخش‌های موجود از تفسیر منیر در نسخه‌های اثر

نسخه کتابخانه بریتانیا شامل تفسیر آیه ۷۶ سوره کهف/۱۸ تا اواسط آیه ۲۳ سوره فرقان/۲۵ است و نسخه کتابخانه

۲. ایشان تاکنون فهرست نسخه‌های خطی فارسی چند کتابخانه ترکیه را نوشته‌اند که در جای خود بسیار سودمند است، اما متأسفانه لغزش‌ها و افتادگی‌هایی در این فهرس دیده می‌شود که بازبینی دوباره آنها را روشن می‌سازد (برای نقد یکی از فهرست‌ها نک. صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۲).

## نسخه‌ای تازه‌یاب از تفسیر منیر اثر ابونصر احمدبن محمد حدّادی

و نکاتی درباره شناسایی افراد خاندان حدّادی در دیوان سنائی و عثمان مختاری

### علی صفری آق‌قلعه

پژوهشگر متون  
alisafari\_m@yahoo.com

در سال ۱۳۵۲ خ، یک تفسیر فارسی ناشناخته از روی تنها دستنویس شناخته‌شده آن زمان (نسخه Or. 6573 کتابخانه بریتانیا، بی‌تا) به کوشش استاد جلال متینی به چاپ رسید [حدّادی]، (۱۳۵۲). چون نام اثر و مؤلف در نسخه درج نشده بود، نام تفسیری بر عثری از قرآن مجید برای آن انتخاب شد.<sup>۱</sup>

بعدها نسخه‌ای کهن و باشکوه از تفسیری با نام معانی کتاب الله و تفسیره المنیر (نسخه کتابخانه موزه طویق‌پای سربای، مورّخ ۴۸۴ ق) اثر ابونصر احمدبن محمدبن حمدان بن محمد حدّادی در ترکیه شناسایی شد که توسط نسخه‌پژوهان ترک در برخی از منابع به اختصار از آن یاد شد. آقای سید محمد عمادی حائری با توجه به تصویر دو صفحه چاپ‌شده نسخه در یکی از همان منابع، بدین نکته پی برد که متن موسوم به تفسیری بر عثری از قرآن مجید در واقع رونویس دیگری از معانی کتاب الله و تفسیره المنیر است و بر اساس آن مقاله‌ای مبسوط نگاشت (عمادی حائری، ۱۳۸۹). پس از آن نیز تصویر تمام نسخه به ایران رسید و به صورت چاپ عکسی نفیسی با مقدمه عمادی حائری منتشر شد (حدّادی، ۱۳۹۰). بدینگونه نام اثر، مؤلف و دو نسخه موجود از آن شناخته شد و پس از آن نیز مقالات و یادداشت‌هایی درباره اثر منتشر شد که در اینجا قصد استقصای آنها را نداریم. اخیراً دستنویسی دیگر از این اثر یافته شده که حاوی مطالبی مهم و دقیق درباره اثر و نویسنده آن است. این اطلاعات

۱. این نام را استاد مینوی با توجه به مندرجات اثر که حدود یک‌دهم قرآن است برای آن انتخاب کرده بودند.

طویقایی سرایی شامل تفسیر آیه ۶۰ سورة كهف/ ۱۸ تا آیه ۷۸ سورة حج/ ۲۲ است. بنابراین بخش‌های قابل توجهی از دو نسخه با یکدیگر هم‌پوشانی دارند و تقریباً هر دو شامل سه جزء ۱۶، ۱۷ و ۱۸ از قرآن کریم هستند.

اما نسخه تازه‌یاب شامل تفسیر بخش‌های پایانی آیه هشتم سورة یس/ ۳۶ تا آیه ششم سورة طارق/ ۸۶ است. به عبارتی نسخه معادل تفسیر هشت جزء ۲۳ تا ۳۰ از قرآن کریم است و بنابراین بخش‌هایی از تفسیر را در بر دارد که در دو نسخه پیشین موجود نیستند.

چون از این تفسیر تا کنون فقط همین سه نسخه شناسایی شده، نسخه تازه‌یاب را باید نسخه منحصر به فرد بخش‌های پایانی تفسیر منیر دانست، ولذا تا یافته شدن دستنویسی دیگر، نسخه بی‌بدیلی خواهد بود.

#### اطلاعات مندرج در نسخه تازه‌یاب

اطلاعات تازه‌ای که از نسخه تازه‌یاب به دست آمده، برگرفته از دو یادداشت مندرج در آن است. یکی از دو یادداشت، در واقع انجامه پایان مجلد ششم تفسیر (گ ۱۵۴ پ) است که علاوه بر تاریخ کتابت نسخه، نوع بخش‌بندی متن را مشخص می‌کند:

تمّ المجلد السّادس والسبع السّادس من تفسیر المنیر المعروف بحدّادی علی ید العبد الضعیف النحیف الفقیر المسکین المذنب محمدبن عماد سبحانی معروف [ب]قوام. اللهم اغفر له ولوالديه ولجميع المؤمنین فی ربیع الآخر سنة اربع وعشر [كذا] وثمانیة.

دومین یادداشت مندرج در نسخه (گ ۲۳۷ پ) اهمیت بیشتری دارد. در پایان این یادداشت، تاریخ ۷۱۵ ق درج شده که با توجه به انجامه پیش گفته (مورخ ۸۱۴ ق) و اینکه ساختار ظاهری نسخه بیشتر به سده نهم نزدیک است و کاتب کلّ نسخه یک نفر است، قاعدتاً باید ۸۱۵ ق باشد. یادداشت چنین است:

از اوّل قرآن تا بدینجا [كذا] خواجه امام سیف‌السنة جمال‌الدین شیخ‌الاسلام ابونصر احمدبن محمدبن حمدان بن محمدبن عبدالکریم بن جبریل نور حفرته و تغمّه برحمته و قدّس روحه و انار برهانه تفسیر کرد و وی رفت به رحمة خدای عزوجلّ دهم ماه مبارک رمضان شب چهارشنبه بود [از] شهر سنه سبع و خمسين و اربعمائه. این باقی را ترجمه کرد تفسیر آنرا خواجه امام زین‌الاسلام جمال‌الدین

خطیب زاهد زکی ابوبکر محمدبن امام شیخ‌الاسلام ابونصر احمدبن محمدبن حمدان بن محمد الحدّادی فرزند ایشان؛ آغاز کرد فی ربیع الآخر سنة ثمان [و] خمسين و اربعمائه. كتب الفقیر فی رجب سنة خمس عشر و سبعمائه [كذا] محمدبن عماد سبحانی.

از دو یادداشت یادشده اطلاعاتی در تکمیل آگاهی‌های ما درباره حدّادی و تفسیر منیر به دست می‌آید که اهمّ آنها بدین‌قرار است:

- الف. شکل کامل‌تر نام و نسب ابونصر حدّادی: آنچه از نام و نسب مؤلف در نسخه طویقایی سرایی به دست بود بدین‌گونه است: «ابونصر احمدبن محمدبن حمدان بن محمد الحدّادی». اما صورت کامل‌تر این نام، بر اساس دو یادداشت مندرج در نسخه تازه‌یاب، چنین است: «ابونصر احمدبن محمدبن حمدان بن محمدبن عبدالکریم بن جبریل الحدّادی» که در نام پدران وی دو نام افزوده دارد. ب. درگذشت ابونصر حدّادی در سال ۴۵۷ ق: تاریخ درگذشت ابونصر حدّادی در منابع شناخته‌شده پیشین درج نشده، اما خوشبختانه به تصریح یادداشت دوم در می‌یابیم که وی به سال ۴۵۷ ق در گذشته است.

- پ. «تفسیر منیر» نام مختصر / مشهور اثر: در انجامه نسخه نافذپاشا این عبارت درج شده: «تمّ المجلد السّادس والسبع السّادس من تفسیر المنیر المعروف بحدّادی...»؛ که نشان می‌دهد کاتب، اثر را با نام «تفسیر المنیر» می‌شناخته است. این نام در تفسیر بصائر یمنی اثر محمدبن محمودبن احمد النیشابوری (نیشابوری، ۱۳۵۹: ۸۱) نیز به چشم می‌خورد: «خواجه امام حدّادی رحمه الله که مصنّف تفسیر منیر است گوید...».

عوفی در لباب‌الالباب اشاره دارد که:

این امام فخرالدین محمد محمود که ما به صدد ذکر اویم در عهد دولت بهرام‌شاه از فحول ائمه غزنین بود و تفسیر بصائر یمنی تألیف اوست. (عوفی، ۱۹۰۶: ۲۸۱/۱)

و از سویی تفسیر بصائر یمنی برای همان بهرام‌شاه غزنوی (حک ۵۱۱-۵۵۲ ق) نوشته شده؛ بنابراین، نوشته صاحب بصائر یمنی هم به دلیل اقامتش در غزنه و هم به دلیل آنکه فقط چند دهه با نویسنده تفسیر منیر فاصله دارد، نشانگر

آیا پسر توانسته تفسیر را به پایان برساند یا نه. اگر چنین باشد، با توجه به اینکه وی کار را در ۴۵۸ق آغاز کرده، نهایتاً باید آن را کمابیش تا سال ۴۶۰ق به پایان رسانده باشد. با توجه به اینکه نسخه طویقایی سرایی در سال ۴۸۴ق یعنی کمابیش ۲۴ سال پس از تألیف کتاب انتساخ شده است، بعید نیست که نسخه در دوره زندگی مؤلف دوم، یعنی ابوبکر محمد، انتساخ شده باشد.

درباره ابوبکر محمد بن احمد بایسته یادکرد است که پدرش ابونصر حدادی در آغاز یکی از آثارش، یعنی المدخل لعلم تفسیر کتاب الله تعالی، از این پسر نام برده و نوشته که المدخل را به‌عنوان هدیه‌ای برای وی نگاشته است (حدادی، ۱۴۰۸: ۵۱):

أَتَى لَمَّا فَرَعْتُ مِنْ تَصْنِيفِ كِتَابِ الْمَوْضِعِ لِعِلْمِ الْقُرْآنِ،  
صَنَّفْتُ كِتَابِي هَذَا تَحْفَةً مَنَى لَوْلَدِي مُحَمَّدٍ - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ  
صِلَةً مَنَى آيَاهُ.

همین ابوبکر محمد کتاب پدرش الموضع فی التفسیر را به دیگران آموزش می‌داده است. اثری ناشناخته با نام تلخیص الدرر اثر عبدالحمید بن عبدالمجید الحاکمی تألیف در ۵۱۴ق موجود است که تلفیقی از چند کتاب اصلی بوده است. حاکمی در پایان کتابش از آن مأخذ یاد کرده است. حسن انصاری نخستین بار مقاله کوتاهی در معرفی این کتاب نوشته (در صفحه «بررسی‌های تاریخی» در سایت «کاتبان») و این خاتمه‌را نقل کرده است. از مندرجات خاتمه دانسته می‌شود که دومین مأخذ حاکمی در تلخیص الدرر همین کتاب الموضع فی التفسیر بوده و آن را با یک واسطه از ابوبکر محمد حدادی فرا گرفته است:

... والاصل الثانی هو الموضع فی التفسیر. اخبرنی به الشیخ الامام شیخ الاسلام ناصح الدین منبه بن محمد المخلصی عن الشیخ الامام الزاهد محمد بن احمد الحدادی عن والده مصنف الكتاب الشیخ الامام الزاهد ابی نصر احمد بن محمد الحدادی الفریومی غفر الله لهم جميعاً.

۱. چاپ: «محمد نعمة الله»؛ که همانند یک نام در میان دو کمانک نهاده شده است. عمادی حائری گویا بر همین اساس «محمد نعمت الله» را یک نام مستقل دانسته است (عمادی حائری، ۱۳۹۱: ۱۲۱) در حالی که چنین نام‌هایی در سده پنجم رواج نداشته است. متن بالا بر پایه نسخه است.

آن است که تفسیر منیر در روزگاری نزدیک به مؤلف نیز بدین نام خوانده می‌شده است. بنابراین یا نام اثر در شکل کامل آن «معانی کتاب الله تعالی و تفسیره المنیر» بوده که در نسخه طویقایی سرایی دیده می‌شود و یا نام آن «تفسیر المنیر» بوده که کاتب نسخه طویقایی سرایی اجزایی را بدان افزوده است.

نکته دیگر اینکه ملاحسین کاشفی نیز گویا این تفسیر را در دسترس داشته و در جواهر التفسیر یک جا به «تفسیر حدادی» اشاره کرده است (کاشفی، ۱۳۷۹: ۴۴۳). نام «تفسیر حداد (/ حدادی)» در میان برخی نویسندگان و به‌ویژه کتاب‌شناسان عثمانی به تفسیر کشف التنزیل فی تحقیق المباحث والتأویل اثر ابوبکر بن علی بن محمد الحداد الزبیدی (د ۸۰۰ق) اطلاق می‌شده، اما چون کاشفی در جای دیگر متن به «امام ابونصر حدادی» اشاره کرده (کاشفی، ۱۳۷۹: ۲۲۱) تقریباً یقین حاصل می‌شود که مقصودش همین تفسیر منیر است. این نکته روشن می‌کند که کاشفی در سده نهم و دهم به دستنویسی از این اثر دسترسی داشته است.

ت. تألیف اثر توسط ابونصر احمد حدادی و تکمیل آن توسط پسرش ابوبکر محمد بن احمد: یادداشت دومی که از نسخه نقل کردیم، بلافاصله پس از تفسیر آیه ۲۴ سوره نوح/ ۷۱ نگاشته شده است و نشان می‌دهد که ابونصر حدادی قرآن را از آغاز تا پایان آیه ۲۴ سوره نوح/ ۷۱ تفسیر کرده است، اما به‌علت درگذشتش در سال ۴۵۷ق کار ناتمام مانده تا آنکه یک سال بعد، یعنی در ۴۵۸ق، نگارش دنباله کتاب را پسرش محمد از سر گرفته است. در نسخه، پس از یادداشت مذکور، تفسیر آیه ۲۵ سوره نوح/ ۷۱ نقل شده، که در واقع دنباله تفسیر ابونصر توسط فرزندش محمد است. در آغاز بخشی که توسط محمد نگاشته شده (گ ۲۳۸ر) این عبارت دیده می‌شود:

أغاز کرد روز دوشنبه بیستم ماه ربیع الآخر سنه ثمان [و] خمسين واربعمایه. خدای تعالی او را در امان دار [ا]د و حاجات وی برآورده باد و خواجه ماضی را بیمارزاد و دعاء خلق مرایشان را منقطع مگرداناد بفضل و جود [ه].

متأسفانه نسخه تازه‌یاب از پایان افتادگی دارد و لذانمی دانیم

ث. احتمال بخش‌بندی هفت‌سبعی تفسیر منیر: با توجه به عبارت «تمّ المجلّد السّادس و السبع السّادس من تفسیر المنیر» در انجامة، می‌توان دانست که مجلّد ششم نسخه درست برابر با سبع ششم آن است و لذا می‌توان نتیجه گرفت که به احتمال بسیار معانی کتاب الله و تفسیره المنیر بر پایه بخش‌بندی هفت‌سبعی تدوین شده بوده است؛ به‌ویژه که آغاز مجلّد هفتم/سبع هفتم که در دنباله نسخه درج شده، شامل آیه ۱ سوره حجرات/۴۹ است که مطابق بخش‌بندی مصحف‌های هفت‌سبعی دقیقاً در آغاز سبع هفتم قرار دارد<sup>۱</sup>.

شیوه بخش‌بندی هفت‌سبعی تا سده پنجم رواج بسیاری داشته و شماری از تفسیرهای فارسی - مانند تفسیر سورآبادی - به همین شیوه تدوین شده‌اند. حتی بخش‌بندی تفسیر فارسی موسوم شده به ترجمه تفسیر طبری بر اساس چهارده نیم‌هفت‌یک (چهارده نیم‌سبع) بوده که باز تابعی از همین بخش‌بندی است<sup>۲</sup>.

در باره بخش‌بندی نسخه طویقاپی سرایی (که آغاز و انجام آن کامل و بی‌افتادگی است) عمادی حائری احتمال داده که چون نسخه حاوی مجلّد هشتم از دوره اثر است، ناگزیر باید مجلّد هشتم از یک دوره چهارده‌مجلدی بوده باشد (حدّادی، ۱۳۹۰: ۱۳). این احتمال قاعدتاً باید بدین معنی باشد که اثر در چهارده نیم‌سبع بخش‌بندی شده باشد، زیرا بخش‌بندی مصحف‌های قرآن همواره دارای قواعدی بوده و قاعدتاً در تفسیرها نیز باید همان‌ها رعایت می‌شد. با این حال در نسخه طویقاپی سرایی چنین نشده و این نسخه با هیچ کدام از بخش‌بندی‌های رایج مصحف‌ها در قدیم (به‌ویژه هفت‌سبعی یا چهارده نیم‌سبعی) سازگاری ندارد و لذا این احتمال وجود دارد که کاتب نسخه طویقاپی سرایی در کتابت اثر از بخش‌بندی مؤلف پیروی نکرده باشد و چون به نگارش یک تفسیر (و نه مصحف قرآنی) می‌پرداخته، شاید نوعی بخش‌بندی بر اساس حجم متن را برای تجلید اثر رعایت کرده باشد.

استاد متینی نیز در مقدمه تفسیری بر عشری از قرآن مجید [حدّادی]، ۱۳۵۲: دوازده) اشاره کرده‌اند که:

... این بخش مشتمل است بر جزء‌های ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ قرآن کریم، یعنی ظاهراً جلد ششم از تفسیری در ده مجلّد بر اساس تقسیم‌بندی که مؤلف کتاب قائل شده است.

ایشان در جای دیگر مقدمه (همان: هشت) نوشته‌اند که:

اینک نیز مجلّد ششم از تفسیری عزیز که نه مجلّد دیگر آن بر اثر تصاریف روزگار معدوم و یا مفقود گردیده است به نام تفسیری بر عشری از قرآن مجید از طرف بنیاد فرهنگ ایران در اختیار... قرار می‌گیرد.

به‌علت افتادگی این نسخه داوری درباره آن دشوار است، اما اگر بپذیریم که بخش‌بندی اثر به صورت هفت‌سبعی بوده، می‌توان گفت که یا این نسخه نیز همان ساختار را داشته که اکنون از میان رفته و یا اینکه کاتب این نسخه نیز خود را ملزم به تبعیت از آن ندانسته است.

#### آثار ابونصر حدّادی

در منابعی که درباره ابونصر حدّادی نوشته شده به سه اثر شناخته‌شده وی اشاره شده است. در جست‌وجوی جداگانه‌ای که نویسنده این سطور انجام داد، اثر تازه‌ای از حدّادی به دست نیامد، اما برخی نکات و ملاحظات درباره آثار شناخته‌شده هست که با نظر برخی از محققان پیشین تفاوت دارد یا آنها را تکمیل و اصلاح می‌کند. در اینجا فهرست آثار حدّادی را با ملاحظات تازه یاد خواهیم کرد.

- بساتین المذکرین و ریاحین المتذکرین: چنانکه عمادی حائری نیز اشاره کرده (حدّادی، ۱۳۹۰: ۱۵) در کشف الظنون از یک اثر حدّادی با نام بساتین المذکرین و ریاحین المتذکرین صرفاً نام برده شده است (حاجی خلیفه، ۱۸۳۷: ۵۰):

بساتین المذکرین و ریاحین المتذکرین: للشیخ ابی نصر احمدبن محمد الحدّادی.

چون حاجی خلیفه به نام نیای صاحب بساتین المذکرین اشاره نکرده، نمی‌توان انتساب آن را به نویسنده مورد نظر ماقطعی گرفت، زیرا چنانکه اشاره خواهیم کرد، شخصی با نام «احمدبن محمدبن احمد ابونصر السمرقندی

۱. نویسنده این سطور درباره جایگاه آغاز و انجام سبع‌ها و نیم‌سبع‌ها مقاله‌ای زیر چاپ دارد.  
۲. در این زمینه نک. صفری آق قلعه، ۱۳۹۳: ۳۶۲-۳۶۵.

يعرف بالحدّادی» نیز وجود داشته که علی الظاهر با شخص مورد نظر ما یکی نیست و شاید همو صاحب بساتین المذکرین باشد.

تفسیر الموضح لعلم القرآن: متن کامل این اثر علی الظاهر موجود نیست، اما متنی برگرفته از آن - که عمدتاً شامل تفسیر مفردات قرآن بر پایه اشعار و شواهد الموضح است - در یک نسخه (مجموعه شماره ۳۸۸۳ کتابخانه چستریتی، بی‌کا، بی‌تا [حدود سده ۷ق، با اجازه‌ای مورخ ۷۰۸ به خط قطب‌الدین محمودین مسعودین مصلح الشیرازی]، گ ۲۲۸-۲۴۴) موجود است (ARBERRY, 1959: 47-48) که با نام الموضح فی التفسیر توسط صفوان عدنان داوودی به چاپ رسیده است (حدّادی، ۱۴۰۸-ب). در پایان نسخه چنین آمده است: «تمت الاشعار والشواهد فی التفسیر الموضح للحدّادی»، که نشان می‌دهد احتمالاً این متن صرفاً شامل اشعار و شواهد اثر حدّادی است، نه متن کامل آن. این نکته را محمّد اجمل الاصلاحی در مقاله‌ای یاد کرده است (عمادی حائری، ۱۳۹۱: ۱۱۷). حدّادی در آغاز المدخل لعلم تفسیر (نک. پس از این) از این اثرش یاد کرده و آن را الموضح لعلم القرآن خوانده است (حدّادی، ۱۴۰۸-الف: ۵۱) و لذا الموضح پیش از المدخل نوشته شده است.

المدخل لعلم تفسیر کتاب‌الله: از این اثر رونویسی در همان مجموعه کتابخانه چستریتی (گ ۲۴۵-۳۶۸) موجود است که بر اساس آن، به کوشش صفوان عدنان داوودی، به چاپ رسیده است (حدّادی، ۱۴۰۸-الف). نکته گفتنی اینکه اثری با نام مدخل تفسیر القرآن والرّد علی الملحدین از احمدبن محمدبن حمدان الحدّادی به‌نشانی «۱۰۴۴ تفسیر» در دارالکتب المصریه (قاهره) موجود است که به احتمال بسیار باید رونویسی از اثر مورد نظر ما باشد. نکته دیگر آنکه حدّادی در مقدمه کتاب المدخل اشاره کرده که آن را به‌عنوان تحفه‌ای برای فرزندش نگاشته است: «صنفتُ کتابی هذا تحفه منی لولدی محمّد»، و چون نام اثر در نسخه چستریتی درج نشده، الاصلاحی با توجه به نسخه‌ای با نام «المنتخب من تحفه الولد للامام المفسّر احمدبن محمّد الحدّادی» اثر ابومحمّد علی بن قاسم بامیانی که در دارالکتب المصریه نگهداری می‌شود احتمال

داده است که شاید تحفه الولد نام اصلی المدخل بوده باشد که اثر بامیانی منتخبی از آن است (عمادی حائری، ۱۳۹۱: ۱۱۸). باید بگوییم که با توجه به نسخه مدخل تفسیر القرآن می‌توان گمان برد که نام المدخل برای این اثر، اصلی است؛ اما رد یا تأیید احتمال الاصلاحی نیز نیازمند بررسی و سنجش سه نسخه/متن با یکدیگر است.

نکته دیگر که ذکر آن لازم است اینکه ابن جزری در غایة النّهایة فی طبقات القراء از شخصی با نام «احمدبن محمدبن احمد ابونصر السمرقندی يعرف بالحدّادی» یاد کرده (ابن جزری، ۱۴۲۷: ۱/۹۷-۹۸) که در کنیه، نام و نام پدر و نسبت «حدّادی» با شخص مورد نظر ما یکی است، اما نسبت سمرقندی و نام‌نیای او (احمد به‌جای حمدان) با شخص مورد نظر ما یکسان نیست. ابن جزری نوشته که ابونصر حدّادی شیخ قراء در سمرقند بوده و تا پس از سال ۴۰۰ ق زیسته است. همچنین اشاره کرده که فرزندش «نصر» بر وی قرائت داشته است. ابن جزری در همانجا به کتاب الغنیة فی القرائت اثر ابونصر حدّادی سمرقندی اشاره کرده و نام مشایخ او در قرائت را از همان کتاب نقل کرده است (ابن جزری، ۱۴۲۷: ۱/۹۷-۹۸). درباره اینکه شخص مورد نظر ابن جزری همان ابونصر حدّادی صاحب تفسیر منیر باشد جای تردید هست، اما صفوان عدنان داوودی مصحح دو کتاب المدخل لعلم تفسیر کتاب الله و الموضح فی التفسیر این موضوع را مسلم گرفته و لذا نام نیای ابونصر را در چاپ هر دو کتاب تغییر داده است. ضمناً کتاب الغنیة فی القرائت مورد اشاره ابن جزری را جزو آثار ابونصر حدّادی غزنوی برشمرده است.

داوودی در مقدمه هر دو کتاب حدّادی غزنوی، مشایخ حدّادی سمرقندی را از کتاب ابن جزری برگرفته و مطالب مختصری درباره ایشان را عمدتاً از روی همان منبع نقل کرده است (حدّادی، ۱۴۰۸-ب: ۷-۹؛ حدّادی، ۱۴۰۸-الف: ۱۸-۲۲) که با توجه به این احتمال قوی که این دو یکی نیستند، باید همگی آن اطلاعات را با تردید استفاده کرد.

تصحیح اشتباهاتی در شناسایی خاندان حدّادی به مناسبت ذکر افرادی از خاندان حدّادی در آثار ابوالمجد مجدود بن آدم سنائی غزنوی و عثمان مختاری غزنوی، نام این

افراد در ادبیات فارسی مطرح بوده و مصححان با توجه به منابع روزگار خود به شناساندن این افراد پرداخته‌اند (سنائی، ۱۳۸۰: صدویازده؛ مختاری غزنوی، ۱۳۸۲: ۳۸۵؛ همایی، ۱۳۶۱: ۳۵۵-۳۵۶). بعدها با توجه به مندرجات این اشعار، مقاله‌ای توسط نذیراحمد درباره افراد این خاندان نگاشته شد (نذیر احمد، ۱۳۷۹).

در زمان نگارش آن مقاله، نسخه معانی کتاب الله و تفسیره المنیر شناسایی نشده بود و لذا ارتباط افراد یادشده در آن آثار با ابونصر حدّادی مشخص نبود و ضمناً چون پیش فرض این ارتباط برای نذیر احمد وجود نداشت، مقاله او با توجه به منابعی که در دسترس داشته درست و خالی از برخی استدلال‌های نادرست است.

پس از شناسایی نسخه معانی کتاب الله دکتر محمدسرور مولایی در مقاله‌ای به شناساندن افراد این خاندان پرداخت (مولایی، ۱۳۹۴) و گویا بدون آگاهی از نوشته نذیر احمد به چند منبع از پژوهشگران افغانستان اشاره کرد که در آنها به مقبره خانوادگی خاندان حدّادی اشاره شده است. عمادی حائری نیز در مقاله خود اثری با نام ریاض‌الالواح (نگاشته ۱۳۲۶ق) را شناساند که در آن به مسجد و مزار حدّادی در غزنین اشاره شده است (عمادی حائری، ۱۳۹۱: ۱۲۲-۱۲۳). متأسفانه الواح بازمانده از افراد این خاندان کمکی به شناسایی آنان نمی‌کند و صرفاً این منابع را باید به عنوان پیشینه موضوع در نظر گرفت.

اما جز اینها، مولایی با توجه به پیش فرضی که برای ارتباط دادن ممدوحان سنائی و مختاری با ابونصر حدّادی داشته، شجره انساب نادرستی برای افراد این خاندان فرض کرده که طبق آن، «یوسف بن احمد» مورد اشاره سنائی را نوه ابونصر حدّادی قلمداد کرده و نسبت فرزندان او را نیز به همین طریق به ابونصر حدّادی رسانده است.

درست آن است که «یوسف بن احمد» مورد اشاره سنائی در واقع «ابویعقوب یوسف بن احمد بن عبدالله اللجّامی الغزنوی المعروف بمیره» است که با خاندان حدّادی نسبت سببی دارد، و از همین روی سنائی وی را از «خانه حدّادیان» و از آن خاندان دانسته است. کهن‌ترین جایی که از این شخص یاد شده المنتخب من معجم شیوخ (سمعی، ۱۴۱۷: ۱۸۵۵) است که از یوسف بن احمد به عنوان یکی از شیوخ خود یاد کرده است:

شیخ آخر: هو ابویعقوب یوسف بن احمد بن عبدالله اللّجّامی الغزنوی، المعروف بمیره، من اهل غزنة: امام فاضل مفسر فقیه واعظ مشهور، معروف فی ولايته، وانتشر ذكره فی الآفاق. واختلف الیه جماعة من العلماء وتلمذوا له. وله رحلة الی العراق، وعمر العمر الطویل حتی صار یحمل فی المحفة علی الایدی. سمع ابابکر محمد بن عبدالله بن ریزه الصّبئی الاصبهانی وخاله ابابکر محمد بن احمد بن حمدان الحدادی واباه؛ و ابایعقوب یوسف بن اسرائیل القاضی... وغیرهم. کتب الی الاجازة بجمیع مسموعاته بتحصیل الاشبهی. توفی بغزنة فی السنة التي توفی [فيها] القاضی الفخر<sup>۱</sup>.

از نوشته سمعی درمی‌یابیم که یوسف لجامی خواهرزاده ابوبکر محمد بن احمد بن حمدان الحدّادی بوده<sup>۲</sup> و این یوسف بر خال و پدر بزرگ مادریش (احمد بن حمدان حدّادی) سماع داشته است. متأسفانه در نیافتیم که مقصود از «القاضی فخر» کیست تا تاریخ درگذشت یوسف بن احمد بن عبدالله دانسته شود، اما با توجه به عمر دراز او می‌توان گفت که احتمالاً چند دهه آغازین سده ششم را نیز دریافته است.

چند شاهد در تأیید یکی بودن ممدوح سنائی و مختاری با این شخص وجود دارد. یکی قصیده‌ای از سنائی است که عنوانش مطابق متن چاپی (سنائی، ۱۳۸۰: ۶۰۴) چنین است:

در مدح خواجه امام صدر الاسلام فقیه الامّة ابویعقوب یوسف بن احمد لجامی گفت.

در این قصیده صرفاً از ممدوح با نام «یوسف احمد» یاد شده است و هیچ اشارتی به خاندان حدّادی ندارد:

خورشید زمین یوسف احمد که ز خاطر حل کرده همه مشکل تقدیر سمائی

شاهد سپسین در عنوان قصیده‌ای دیگر از دیوان سنائی یافت می‌شود (سنائی، ۱۳۸۰: ۴۲۱) که گویا فقط در نسخه ۲۳۵۳ کتابخانه ملی ایران (بی تا) میان ۵۲۸-۵۷۷ق<sup>۳</sup>، ص ۹۱) درج شده و استاد مدرّس رضوی آن را به پاورقی برده است:

۱. این اطلاعات به نقل از معجم الشیوخ در منابع متأخرتر نیز درج شده است (نک. تخریجات منتخب معجم الشیوخ).

۲. یعنی همان یسر ابونصر حدّادی که تفسیر منیر را تکمیل کرده است.

۳. نسخه برای خزانه کتب اتابک ارسلان به بن آق سنقر (حک ۵۲۸-۵۷۷ق) کتابت شده است. برخی از پژوهشگران در اصالت این نسخه تردید کرده و بعضاً به دلیل تعلق به کتابخانه فخرالدین نصیری، آن را جعلی دانسته‌اند؛ اما نگارنده نسخه را از نزدیک دیده و هیچ نشانه‌ای از جعلی بودن در آن نیافته است. برعکس، قرآنی - مانند عنوان همین قصیده - در آن یافته می‌شود که اصالت آن را کاملاً تأیید می‌کند.

خورشیدزمین یوسف احمد که فلک را  
چون او به گه علم و محامد دگری نیست  
مولایی به قرینه بیت زیر نظر داده که منظور از «پدر و جد»  
همان «ابونصر احمد» و «محمدبن حمدان» است (مولایی،  
۱۳۹۴: ۳۲۰)، در حالی که در سراسر قصیده اصلاً چنین  
تصریحی دیده نمی‌شود:

آری چه عجب زآنکه چو جد و پدر او  
کس را به جهان اکنون جد و پدری نیست  
شعر دیگر باز قصیده‌ای است که در آن از وی به صورت «جمال  
گوهر حدّادیان یوسف» نام رفته است (سنائی، ۱۳۸۰: ۲۱۲):

چون جمال گوهر حدّادیان یوسف که زد  
پتکِ حجت بر سرِ اعدای دین حدّادوار  
سنائی در دنباله از «خانه حدّادیان» یاد کرده است (همان: ۲۱۳)  
و باز به یوسف اشاره کرده:

فتوی کز خانه حدّادیان آمد برون  
نصّ قرآن دارد آن را از درستی استوار  
دور مشتت مدعی نامعنوی اندرگذشت  
دور دور یوسف است ای پادشا پاینده دار  
وی در دنباله شعر از فرزند یوسف، یعنی احمد، هم یاد کرده  
است:

از چنین شاخی چنین باری پدید آمد به شرع  
پس درخت گل چه آرد جز گل خوش‌بوی بار  
احمد محمود خصلت خواجه‌ای کامروز کرد  
از سخن چشم عدوی احمد مختار تار

بنابر شواهدی که یاد شد، ممدوحان سنائی «ابویعقوب  
یوسف بن احمد لجامی» و پسرش «ابوالمعالی احمد بن  
یوسف بن احمد لجامی» هستند. روشن است که نام و نسب  
یوسف بن احمد با نام و نسب شیخ یاد شده در المنتخب من  
معجم الشیوخ سمعانی مطابقت دقیق دارد. از سویی به تصریح  
سمعانی، ارتباط یوسف بن احمد با خاندان حدّادی این است  
که مادرش فرزند ابونصر احمد بن محمد حدّادی بوده است و  
از اینجا می‌توان «حدّادی تبار» بودن و ارتباط وی با «خانه  
حدّادیان» را دریافت.

درباره ستایش یوسف بن احمد در دیوان عثمان مختاری

وله ایضاً فيه... یمدح الشیخ الامام الاجل فقیه الامّة  
اقضی القضاة ابویوسف یعقوب بن احمد اللجامی رحمة الله  
علیهم و یمدح ابنه ابی المعالی احمد بن یوسف.

البته در اینجا به جای «ابویوسف یعقوب» باید «ابویعقوب  
یوسف» درست باشد، زیرا در دنباله آمده «و یمدح ابنه  
ابی المعالی احمد بن یوسف» که نشان می‌دهد نام فرد مورد  
نظر یوسف بوده است. نام این پسر با همین کنیه (ابوالمعالی)  
و ترتیب در یکی دیگر از قصاید سنائی درج شده است  
(سنائی، ۱۳۸۰: ۲۱۷):

بوالمعالی احمد بن یوسف بن احمد آنک  
آسمان دانش است و آفتاب روزگار  
این قصیده از مواردی است که در آن به خاندان حدّادی اشاره  
شده و در بیتی از آن (همان: ۲۲۰) ممدوح را «حدّادی تبار»  
خوانده است:

ای جمال ملک و دانش سر فراز از بهر آنک  
یوسفی اصلی و احمد خلق و حدّادی تبار  
باز در قصیده‌ای کوتاه از سنائی که در رثای همین ابوالمعالی  
احمد است، به پدرش یوسف نیز اشاره شده که علی‌الظاهر  
پیش از پسر در گذشته است (سنائی، ۱۳۸۰: ۱۰۹۵):

رفت قاضی بوالمعالی ای سنائی آه کو  
همچو دل جانت بر آن صدر جهان همراه کو...  
آفتابی بود یوسف، بوالمعالی ماه او  
گر فرورفت آفتاب ای قوم باری ماه کو  
همچنین در قصیده‌ای کوتاه از سنائی از «یوسف لجامی» بی  
اشاره به نسبت حدّادی چنین یاد شده است (سنائی، ۱۳۸۰: ۶۶۶):

با تابش تو کران مبادا  
چون دانش یوسف لجامی  
سنائی چند بار دیگر نیز به ستایش یوسف بن احمد لجامی  
و پسرش پرداخته است که بدانها نیز اشاره می‌کنیم تا همه  
جزئیات در دسترس خواننده باشد. نخستین مورد در قصیده‌ای  
است که در آن یک جا فقط از وی با نام یوسف بن احمد یاد  
شده است (سنائی، ۱۳۸۰: ۱۰۰) و هیچ اشارتی به نسب حدّادی  
دیده نمی‌شود:

۱. به قرینه یکی از ابیات، این قصیده در زمانی سروده شده که سلطان مسعود بن  
ابراهیم غزنوی (۴۹۲-۵۰۸ق) در آغاز حکومتش بوده است.

نیز باید گفت که احتمالاً همین یوسف بن احمد لجامی در مدّ نظر بوده، زیرا در متن قصیده صرفاً از «یوسف احمد» (= یوسف بن احمد) یاد شده است (مختاری غزنوی، ۱۳۸۲: ۳۸۶):

اساس عالم اقبال یوسف احمد  
 که طبع و اختر علم است و پشت و قوت دین

در متن قصیده هیچ اشارتی به خاندان حدّادی دیده نمی‌شود و عنوان قصیده نیز، جز عناوینِ بر ساخته کاتبان، در یک نسخه چنین بوده است:

قال یمدح الشیخ امام یوسف بن احمد الحاجی الحدادی

که نسبت «الحاجی» احتمالاً تحریفی از «اللجامی» است. گمان می‌رود که آنچه پژوهشگران پیشین را به اشتباه انداخته آن است که در خلال برخی از شعرهای سنائی در ستایش یوسف بن احمد لجامی و فرزندش، به خاندان حدّادی اشاره شده و برخی از کاتبان، این اشاره را نسبتِ یوسف بن احمد در نظر گرفته و در عنوان شعرها افزوده‌اند.



خلاصه آنچه گفته شد چنین است که ابونصر احمد بن محمد بن حمدان بن محمد الحدّادی کتاب خود تفسیر منیر را در حدود نیمه سده پنجم هجری آغاز کرده و بخش عمده آن را نگاشته بود که در سال ۴۵۷ ق با درگذشت وی کار ناتمام مانده است. سال بعد، یعنی ۴۵۸ ق، فرزندش ابونصر احمد کار پدر را از سر گرفته و علی الظاهر آن را به پایان رسانده است. از میان فرزندان ابونصر حدّادی، اکنون فقط همین پسرش احمد را می‌شناسیم که آثار پدر را به دیگران می‌آموخته است. جز این، فقط نوّه دختری ابونصر حدّادی، یعنی ابویعقوب یوسف بن احمد لجامی غزنوی را می‌شناسیم که در روزگار خود مقام دینی بلندی یافته بود و از وی نیز پسری به نام ابوالمعالی احمد زاده شد که سنائی غزنوی و عثمان مختاری در شعرهایشان این دو تن را ستوده‌اند. برخی جزئیات دیگر درباره حدّادی و تفسیر منیر در خلال مقاله درج شده است.

#### منابع

- ابن جزری، محمد بن محمد (۱۴۲۷ ق/ ۲۰۰۶ م). غایة النّهایة فی طبقات القراء. تحقیق ج. برجستراسر. بیروت: دارالکتب العلمیة.

- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۸۳۷ م). کشف الظنون (ج ۲). به کوشش گوستاو فلوگل. لایپزیگ.

- حدّادی، ابونصر احمد بن محمد [۱۳۵۲]. تفسیری بر عشری از قرآن مجید. به کوشش دکتر جلال متینی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

- حدّادی، ابونصر احمد بن محمد بن حمدان بن محمد (۱۳۹۰). معانی کتاب الله تعالی و تفسیره المنیر (چاپ عکسی از نسخه E. H. 209 کتابخانه طویقایی سرایی، مورخ ۴۸۴ ق). با مقدمه سید محمد عمادی حائری. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- حدّادی، ابونصر احمد بن محمد بن احمد السمرقندی [؟] (۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۸ م- الف): المدخل لعلم تفسیر کتاب الله تعالی. تحقیق صفوان عدنان داوودی. دمشق و بیروت: دارالقلم و دارالعلوم.

- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۸ م- ب): الموضح فی التفسیر. تحقیق صفوان عدنان داوودی. دمشق: دارالقلم.

- حسینی، سید محمد تقی (۱۳۹۵). فهرست دستنویس های فارسی کتابخانه نافذپاشا. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.

- سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور التمیمی (۱۴۱۷ ق/ ۱۹۹۶ م). المنتخب من معجم الشیوخ. تحقیق الدكتور موفق بن عبدالله بن عبدالقادر. الرياض: دار عالم الکتب.

- سنائی، ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۸۰). دیوان حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنائی غزنوی. به کوشش محمد تقی مدرّس رضوی. تهران: انتشارات سنایی.

- صفری آق قلععه، علی (۱۳۹۲). «تکمله و استدراکاتی بر فهرست دستنویس های فارسی کتابخانه ایاصوفیا». گزارش میراث، پیاپی ۵۶ و ۵۷ [فروردین- تیر]، ص ۹۱-۱۰۴.

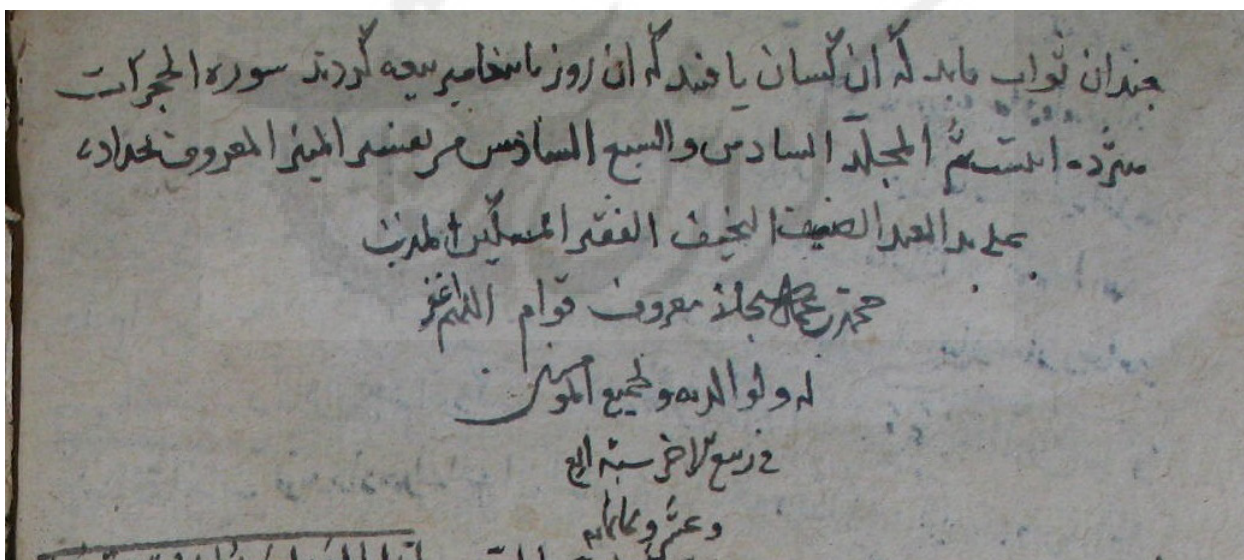
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳). «تفسیر بزرگ و نکاتی درباره دیباجه آن». در: طبری پژوهی، به کوشش محمد حسین ساکت. تهران: خانه کتاب، ص ۳۴۷-۳۶۷.

- عمادی حائری، سید محمد (۱۳۸۹). «کهن ترین نسخه مترجم قرآن: تحلیل متن، بررسی دستنویست، زیبایی شناسی هنر قدسی». آینه میراث، ضمیمه ۱۹.

- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). «یافته های دیگری درباره ابونصر حدّادی و برگگی از مصحفی دیگر به خامه عثمان و راق». ترجمان وحی، س ۱۶، ش ۲ [پاییز و زمستان]، ص ۱۱۶-۱۲۹.



- عوفی، محمد (۱۹۰۶م). لباب‌الالباب (النّصف الأوّل). به‌کوشش ادوارد براون. لیدن: بریل.
- کاشفی، ملاحسین واعظ سبزواری (۱۳۷۹). جواهر التفسیر. به‌کوشش دکتر جواد عباسی. تهران: میراث مکتوب.
- مختاری غزنوی، عثمان بن عمر (۱۳۸۲). دیوان عثمان مختاری. به‌کوشش جلال‌الدین همایی. تهران: علمی و فرهنگی.
- مولایی، محمدسرور (۱۳۹۴). «آل‌حدّاد یا خاندان حدّادی غزنوی». در: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی غزنه و زبان و ادب فارسی. به‌کوشش دکتر محمد دبیرمقدم. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ص ۳۱۳-۳۵۳.
- نذیر احمد (۱۳۷۹). «دو خانواده معروف قاضی در دوره حکیم سنایی غزنوی». قند پارسی، پیاپی ۱۴ [زمستان]، ص ۱-۲۰.
- نیشابوری، معین‌الدین محمد بن محمود (۱۳۵۹). تفسیر بصائر یمنی (ج ۱). به‌کوشش علی رواقی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- همائی، جلال‌الدین (۱۳۶۱). مختاری‌نامه (مقدمه دیوان عثمان مختاری). تهران: علمی و فرهنگی.
- ARBERRY, Arthur J. (1959). *A Handlist of the Arabic Manuscripts* (Vol. IV). Dublin: Hodjes Figgis & Co. LTD.



یادداشت اول (گ ۱۵۴پ)

راشد ارا بیجاورد و مورور اسرار  
 الحمد لله وحده لا شریک له اول قرآن نامہ دایمہ خولج امام سبوا السنہ جمال الدین شیخ الاسلام  
 ابو نصر احمد بن محمد بن محمد بن عبد الکریم بن جویبل نوذ حفصہ و نقلہ رحمہ  
 و قدس روحہ و انارہ و ماہہ لغتہ لورد و وہ رفت برحمہ خدای عزوجل  
 دہم ماہ مبارک رمضان شب چہار شدہ بود شدہ سبہ سبہ و سبہ  
 و اریبایہ اریبایہ را تو غمہ لورد لغتہ انرا خولج امام  
 ربیع الاسلام جمال ابن حطیب زامد زابو یلم  
 محمد بن امام شیخ الاسلام ابو نصر احمد بن محمد بن  
 محمد بن محمد الحدادی فرزند  
 اسرار غامہ لورد فی سبہ لایمہ  
 سبہ ان حنین زابو یلم  
 کتب العقیدہ و رب  
 سبہ عم و سبہ  
 سبہ حطیب

یادداشت سوم (گ ۲۳۷ پ)

اماز لورد رور در شدہ دہم ماہ ربیع الاخر سبہ ثمان ہسبہ اریبایہ خدای تعالیٰ اور در زمانہ اور و طبعہ و بروردہ یاد  
 و خولج ماہ راماز زاد و دعا و حق مر اسرار مستطہ لورد اناد بعضہ وجود حاطہ خطہ ہم اغرقوا فادخلوا ناراً  
 نلم بعد و ان ذوال اللہ انصاراً اخص حنین لورد کہ مارنات است و قلبے کتب ماہیہ یاست معہ حیان شد کہ ہزار قاسان  
 لورد لورد اریبایہ اور زور و جانوں نوح علیہ حرمتہ لورد انندہ شدہ باب در زنا و ماہش در درجہ لورد قمار در قناعت  
 بعد از خدای تعالیٰ و حق سبہ لورد اسرار فریاد برسد و سبہ خود را یاد دے اریبایہ تیان کہ سبہ سبہ و اریبایہ  
 بارے و حق و شفاعت آمد دے داشتہ نومد گندہ بوقت طبع کہ مینگ کس خود آہم نوز حاجت کس را بازہ تو از زاد و مال

یادداشت سوم (گ ۲۳۸ ر)